

اخبار کارگری

تجمع کارگران

شرکت کشت صنعت خوشه صبا

کارگران شرکت «کشت صنعت خوشه صبا» در منطقه ویژه ارس روز دوشنبه (۴ آبان ماه) در اعتراض به مطالبات پرداخت نشده خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۱۵۰ کارگر شاغل در شرکت «کشت صنعت خوشه صبا» که به شرکت سرمایه‌گذاری ماهان انتقال یافته‌اند، به دلیل پرداخت نشدن مطالبات معوقه چندساله خود، در محوطه محل کار خود در شهرستان خداقردین استان آذربایجان شرقی تجمع کردند. کارگران معترض اعلام کردند که با گذشت چندسال، همچنان بخش مهمی از حقوق ومطالبات معوقه آنان پرداخت نشده و پیگیری‌های مکررشان تاکنون بی‌نتیجه مانده است. به گفته کارگران، آنها به دلیل تأخیر در دریافت معوقات، قادر به تنظیم هزینه‌های زندگی خود نیستند چرا که تأخیر در پرداخت دستمزد و سایر مطالبات چندین ساله،نظام زندگی آنان را برهم می‌زند.این کارگران از رایزنی با مسئولان مربوطه خبر دادندو اعلام کردند که مسئولان وعده داده‌اند حداکثر تا یک هفته آینده، مطالبات ۱۵۰ کارگر را پرداخت کنند.



□□□

سید معیشت کارگران

به ۷۸ میلیون تومان رسید

با گذشت دو ماه از موعد مقرر برای بازنگری دستمزد و افزایش بن کارگری، نمایندگان کارگری شورایی عالی کار از بلاکنلیفی و سکوت معنادار وزارت کار انتقاد کرده و نسبت به عدم اجرای قانون و توافقات انجام شده هشدار دادند. «حسن باقری نماینده جامعه کارگری در کمیته مزد شورای عالی کار به مهر گفت: وزارت کار هر طریحی را با چنان خوشحالی و تعالی اجرا می‌کند که شیرینی آن از بین می‌رود؛ درست مانند افزایش حق مسکن پس از سه سال معطلی. از سوی دیگر، بسیاری از کارفرمایان مالیاتی بسیار بالاتر از دستمزدهای مصوب را به نیروهای خود پرداخت می‌کنند اما به بهانه حمایت از واحدهای کوچک، اصرار بر پایین نگه داشتن حداقل دستمزد دارند.وی با اشاره به بزرگنمایی موضوع‌هایی مانند عدم تعدیل نیرو از سوی کارفرمایان، ادامه داد: در حال حاضر شهرک‌های صنعتی با کمبود نیروی کار مواجه‌اندولی‌بایر جسته کردن آثار تورمی افزایش دستمزد تلاش در سرکوب آن را دارند در حالی که در سال‌هایی که دستمزد باافزایش چشمگیری مواجه شد، نشان داده‌شد که آن آثار منفی ادعایی وجود خارجی نداردو سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده کالاها بسیار ناچیز است. این نماینده جامعه کارگری با تأکید بر اینکه کارگران و دانش آموزان گدنگاهی رغبتی برای فعالیت در صنعت بادستمزدهای فعلی ندارند، تصریح کرد: صدای مکرر گروه کارگری گویا به جایی نمی‌رسد و متأسفانه شرایط موجود موجب سوءاستفاده از معیشت کارگران شده‌است.باقری در پاسخ به این پرسش که با توجه به نرخ تورم شهربور، دستمزد کارگران باید چه عددی باشد، عنوان کرد: سید هزینه‌های خاوار کارگری روی دهک چهارم منتهی به تورم شهریور ماه ۱۴۰۵ مبلغ ۷۷ میلیون و ۹۴۷ هزار تومان است.

□□□

تجمع بازنشستگان همدار تهران



بازنشستگان، مستمری‌بگیران و ایثارگران شرکت همدا، اعتراض به تداوم مشکلات درمانی و توقف پرداخت کمک‌هزینه‌های معیشتی و رفاهی، مقابل ساختمان اداره مرکزی این شرکت تجمع کردند و خواستار رسیدگی فوری به وضعیت خود شدند.

به گزارش ایلنا، این تجمع روز سه‌شنبه (۵ آبان) در شرایطی برگزار شد که با گفته بازنشستگان، مشکلات مربوط به خدمات بیمه درمانی و وضعیت پرداخت کمک‌هزینه‌های رفاهی، باوجود پیگیری‌های مکرر و طرح موضوع از مسیرهای رسمی، همچنان پابرجاست.خاضران در این گردهمایی، مشکلات درمانی و افزایش هزینه‌های زندگی را مهم‌ترین دغدغه‌های خود عنوان کردندو گفتند بازنشستگانی که سسال‌های زیادی از عمر کاری خود را در خدمت صنعت هوانوردی گذرانده‌اند، امروز برای دسترسی به خدمات درمانی مناسب و تأمین بخشی از هزینه‌های ضروری زندگی با دشواری‌هایی روبه‌رو هستند. به گفته معترضان، کانون بازنشستگان هم‌ا طری ماه‌های گذشته از طریق مکاتبات، جلسات و پیگیری‌های اداری، مشکلات این قشر را به اطلاع مدیران شرکت و مسئولان ذی‌ربط رسانده و بازنشستگان همچنان در انتظار پاسخ روشن و اقدام مؤثر برای حل این مسائل هستند. حاشیه دیگر این تجمع، اعلام دورکاری از مهم‌ترین روزهای زیادی از عمر کاری خود را در کارگاهی از پیش اعلام‌شده بازنشستگان، موجب طرح پرسش‌هایی درباره امکان حضور و پاسخ‌گویی مسئولان شد. معترضان انتظار دارند مدیریت شرکت درباره این موضوع توضیح دهدو اطمینان حاصل شود که سازوکارهای اداری مانعی در مسیر شنیده‌شدن مطالبات و گفت‌وگو با بازنشستگان ایجاد نمی‌کند. شرکت‌کنندگان بر ضرورت توجه به جایگاه پیشگسوتان هم‌ا تأکید کردندو یادآور شدند که رسیدگی به مسائل درمانی و معیشتی بازنشستگان، بخشی از مسئولیت‌های مرتبط با حفظ حقوق قانونی و متکسبه آنان است.این گردهمایی با محوریت مطالبات صنفی و باهدف جلب توجه مدیران و مسئولان به مشکلات بازنشستگان برگزار شد. شرکت‌کنندگان اعلام کردند که خواسته‌های خود را در قالب قطعنامه یبانی مطرح کرده‌اند و انتظار دارند این درخواست‌ها بررسی جدی و پاسخ‌گویی مسئولانه همراه شود.

بازار کار ایران در ماه‌های اخیر و در پی شوک‌های ناشی از جنگ، ناتر از انرژی و تورم مزمن، روزهای پرتلاهایی را پشت سر می‌گذارد. در همین راستنا، «مالک حسینی»، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از خروج یک میلیون و ۱۵۰ هزار بیمه‌شده اجباری از بازار کار رسمی در فاصله اسفند تا پایان مرداد ۱۴۰۵ و ورود ۳۰۰ هزار نفر به فهرست بیمه‌بیکاری خبر داد و اعلام کرد: در صورت تداوم رشد اقتصادی منفی، تا پایان سال بین ۱.۲ تا ۱.۴ میلیون شغل از بازار کار کشور حذف خواهد شد.

برای بررسی ابعاد واقعی ریزش نیروی کار در بخش‌های رسمی و غیررسمی و چشم‌انداز اشتغال کشور تا پایان سال، خبرنگار ایلنا، با این مقام وزرات رفاه به گفت‌وگو نشسته‌است.

– آمار رسمی از ریزش حدود ۷۰۰ هزار نفری بازار کار در جریان جنگ حکایت دارد اما گزارش‌های غیررسمی و مشاهدات میدانی، حجم بیکارشدگان را رقمی نزدیک به دو میلیون نفر نشان می‌دهد. این جمعیت حتی در صورت احراز شرایط و قرار گرفتن تحت پوشش بیمه بیکاری با مقرری ماهانه‌ای حدود ۱۶ تا ۱۷ میلیون تومان عملاً امکان تأمین هزینه‌های حداقلی زندگی را ندارند. در شرایط فعلی، وزارت کار چه برنامه‌ای برای ایجاد اشتغال و عبور از این بحران را در دستور کار دارد؟

پیش از ورود به آمار دقیق نیروهای بیکار شده و جزئیات برنامه‌های حمایتی، کمی‌به‌عقب برگردیم و در چارچوب تحلیل کلان، موضوع را مرور کنیم. در تمام اقتصادهای دنیا، اشتغال تابعی از «رشد اقتصادی» است. شاید به صورت استثنایی در یک بازه کوتاه مدت یک‌ساله شرایط متفاوتی دیده شود اما در دوره‌های میان مدت و بلندمدت، یک اقتصاد می‌تواند رشد بدون اشتغال داشته باشد ولی اشتغال بدون رشد هیچ نمونه‌ای در دنیا ندارد. برای مثال، ممکن است در اقتصاد ایران ناآهان شرایطی فراهم شود که فروش نفت چند برابر شود و رشد ۱۰ درصدی ثبت شود که نیاز چندانی به نیروی کار ندارند. بنابراین منتقلی می‌توان رشد اقتصادی داشت اما شغل چندانی ایجاد نکرد ولی اینکه رشد اقتصادی کاشی پیدا کند، به‌هم‌زمان اشتغال افزایش یابد، امری نادر و حتی می‌توان گفت ناممکن است.

موضوع دوم که پاسخ بخش مهمی از سؤال در دل آن نهفته است، به ساختار بازار کار ایران برمی‌گردد. در اقتصاد ما سهم بخش غیررسمی از کل اشتغال، بیش از بخش رسمی است و نسبتی حدود ۵۴ به ۴۶ دارد یعنی ۵۴ درصد اشتغال کشور غیررسمی و ۴۶ درصد آن رسمی است. پس از جنگ اخیر، کفه ترازو بیش از پیش به سمت اشتغال غیررسمی و «اشتغال‌های ناقص زمانی» سنگینی کرده است. پیام این امر این است که بازار کار ما از مشکلات مزمن و ساختاری رنج می‌برد. اشتغال رسمی و پوشش بیمه‌ای گسترده، محصول اقتصادی است که پرنشاط و توانمند باشد و در بازه‌های زمانی بلندمدت، نرخ رشد بالایی را تجربه کند.

بررسی‌های بیست‌ساله نشان می‌دهد که در دو دهه گذشته، متوسط نرخ رشد اقتصادی ایران حول و حوش ۲.۲ تا ۲.۳ درصد بوده است. براساس همین روند بیست‌ساله، به ازای هر یک واحد درصد رشد اقتصادی، حدود ۱۷۰ هزار کاهش هر واحد درصد از رشد اقتصادی، دقیقاً به همین میزان یعنی به‌طور متوسط ۱۷۰ هزار شغل از دست می‌رود. اگر شرایط غیرعادی و استثنایی مانند دوران همه‌گیری کرونا را کنار بگذاریم که بدون تغییر متناظر در نرخ رشد اقتصادی، ناآهان تا یک میلیون نفر در بازار کار ریزش کردند، در شرایط متعارف، این قاعده کاملاً برقرار است. بر این اساس، وقتی اقتصاد رشد خود را از دست می‌دهد، دو پدیده هم‌زمان رخ می‌دهد: نخست اینکه بخشی از اشتغال رسمی از بین می‌رود و به سمت بازار غیررسمی سرازیر می‌شود و دوم اینکه بخشی از اشتغال غیررسمی تمام‌وقت به «اشتغال ناقص زمانی» تبدیل شده و بخش دیگری از مشاغل نیز به‌طور کامل حذف می‌شوند.

ما اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم در سه مقطع درگیری اخیر، عملاً از شهریور ۱۴۰۳ وارد فضای جنگی شدیم. آن فضا پس از ترور صورت گرفته در تهران و تبادل آتش موشکی و پهزادی آغاز شد. در آن مقطع، درگیری‌ها چندان وارد حوزه زیرساختی نشد اما در همان تابستان ۱۴۰۳ به واسطه مشکلات مربوط به ذخیره سوخت، با تحلی انرژی مواجه شدیم که خود آن برای بخش تولید به مثابه یک «شبه‌جنگ» بود. همه این اتفاقات در شرایطی رقم خورد که اقتصاد ایران از حدود سال ۱۳۹۹ به این‌سو، به‌طور متوسط تورم‌های بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده بود. وقتی این متغیرها را کنار هم می‌گذاریم، مشخص می‌شود که تاب‌آوری برنامه‌های اقتصادی و بازار کار طی کمتر از یک دهه اخیر تاچه اندازه دچار فرسوده شده. در نهایت نیز به «جنگ ۱۲ روزه» رسیدیم که پس از آن، نزدیک به ۷۴۰ هزار نفر را صرفاً در بازار کار رسمی از دست دادیم.

این ریزش ۷۴۰ هزار نفری مربوط به

نوع ایرانی

معاون اشتغال وزارت رفاه: حداقل ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر بیکارند

خطر حذف ۱.۴ میلیون شغل تا پایان سال



رسمی خود را از دست داد. در بخش غیررسمی نیز هم‌زمانی چند بحران، وضعیت را پیچیده‌تر کرد؛ یعنی ابتدا چالش‌های دی‌ماه رخ داد، سپس قطعی اینترنت بسیاری از کسب‌وکارهای غیررسمی و خرد را از مدار خارج کرد و در نهایت با ورود به فضای جنگ، این عوامل در کنار هم یک «هم‌افزایی منفی» ایجاد کردند که به تشدید ریزش‌ها نتاجمید. امسال آخرین برآوردهای ما که مربوط به داده‌های تیرو مردامه‌است و هنوز نیاز به پالایش نهایی دارد تصویر جدیدی را نشان می‌دهد. براساس این آمار، به‌طور اجمالی از اسفندماه تا پایان مرداد ۱۴۰۵، حدود یک میلیون و ۱۵۰ هزار نفر از بیمه‌شدگان اجباری از بازار کار رسمی خارج شده‌اند. در حال تدقیق این عده‌هستیم تأ مشخص شود چه تعداد از این افراد به دلایل طبیعی همچون بازنشستگی یا از کار افتادگی از لیست‌های بیمه خارج شده‌اند که عامل خروج‌شان جنگ نبوده و در مقابل، چه تعداد بیمه‌شده جدید وارد بازار کار شده‌اند. برای نمونه، در گزارش پیشین ما که مربوط به باز اسفند تا پایان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ بود، نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر خروج از لیست بیمه ثبت شده بود اما هم‌زمان بیش از ۲۰۰ هزار نفر نیز به‌عنوان بیمه‌شده جدید در بخش تولید و سایر حوزه‌ها به سیستم اضافه شده بودند که خالص خروجی بازار کار رسمی را در پایان بهار به حدود منفی ۷۰۰ هزار نفر می‌رساند.

اخیراً بررسی متمرکزی روی صنعت پوشاک داشتیم. براساس جلسات و گفت‌وگوهایی که با فعالان این صنف برگزار شد، برآورد این بود که در صورت تمامین مواد اولیه تا پایان سال ضرب آسیب‌پذیری و ریزش در صنایع مختلف، یکسان نیست. برای برآورد وضعیت بخش غیررسمی، از تجربه این مقاطع جنگی استفاده کردیم و تیمی از جوانان خلاق در وزارتخانه، مدلی تحلیلی را طراحی کردند که متناسب با شدت شوک وارده و به بخش از اقتصاد، میزان ریزش نیروی کار را شبیه‌سازی و برآورد می‌کند. طبیعی است که ضرب آسیب‌پذیری و ریزش در صنایع مختلف، یکسان نیست. برای برآورد وضعیت بخش غیررسمی، از تجربه این مقاطع جنگی استفاده کردیم و تیمی از جوانان خلاق در وزارتخانه، مدلی تحلیلی را طراحی کردند که متناسب با شدت شوک وارده و به بخش از اقتصاد، میزان ریزش نیروی کار را شبیه‌سازی و برآورد می‌کند. طبیعی است که ضرب آسیب‌پذیری و ریزش در صنایع مختلف، یکسان نیست.

اخیراً بررسی متمرکزی روی صنعت پوشاک داشتیم. براساس جلسات و گفت‌وگوهایی که با فعالان این صنف برگزار شد، برآورد این بود که در صورت تمامین مواد اولیه تا پایان سال ضرب آسیب‌پذیری و ریزش در صنایع مختلف، یکسان نیست.

وقتی ۶۰ درصد آسیب به معنای ریزش ۷۵۰ هزار نفری است، یعنی کل جمعیت شاغل در آن تجربه پوشاک چه عددی است؟ کل شاغلان صنعت پوشاک فراتر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر نیست. در صنعت پوشاک ما یک بخش رسمی داریم و یک بخش بزرگ غیررسمی. برآوردهای عمومی از کل شاغلان این حوزه بین یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است. ما تنها در سه سال گذشته، نزدیک به ۲۰۰ هزار قهره تسهیلات خرد صرفاً برای فعالان بخش پوشاک پرداخت کرده‌ایم. البته توجه کنید که این رقم مربوط به کل زنجیره ارزش این صنعت است یعنی از منسوجات و طراحی گرفته تا تولید و شبکه توزیع و فروش پوشاک.

اشاره کردید که در مقطع نخست، حدود ۷۴۰ هزار نفر از بازار کار رسمی خارج شدند.

آیا آماری وجود دارد که در فاصله شهریور ماه تا پایان سال ۱۴۰۴ چه تعداد از این افراد به کار بازگشتند و خالص بیکاری چقدر بود؟

بخشی از آن ریزش ۷۴۰ هزار نفری که در گذشت، برآوردهای مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد که فقط در زمستان سال گذشته حدود ۲۰۰ هزار نفر ریزش شغلی داشتیم. اگر بخواهیم یک تراز کلی از ابتدای فروردین تا پایان اسفند ۱۴۰۴ بگیریم، بازار کار کشور در سال گذشته به طور خالص حدود ۵۰۰ هزار نفر از شاغلان بخش

حوداً ۷۰۰ هزار نفری، تا آبان و آذرماه نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر دوباره به بازار کار رسمی بازگشتند. متأسفانه پس از آن، حوادث تلخ دی‌ماه رخ داد که تأثیر سوء بسیار سنگینی بر فضای کسب‌وکار گذاشت. برآوردهای مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد که فقط در زمستان سال گذشته حدود ۲۰۰ هزار نفر ریزش شغلی داشتیم. اگر بخواهیم یک تراز کلی از ابتدای فروردین تا پایان اسفند ۱۴۰۴ بگیریم، بازار کار کشور در سال گذشته به طور خالص حدود ۵۰۰ هزار نفر از شاغلان بخش

بر اساس معادله ۱۷۰ هزار شغل به ازای هر یک درصد رشد اقتصادی، در صورت ثبت رشد منفی ۷ تا ۸ درصدی در سال، تا پایان اسفند حدود یک میلیون و ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر به طور کامل از بازار کار خارج خواهند شد

از مردامه‌ا تا امروز رقم جدیدی به آمار مقرر یبگیران بیمه بیکاری اضافه شده است؟

ببینید امکان ارائه آمار لحظه‌ای وجود ندارد چون در ثبت لیست‌های بیمه‌ای همیشه یک وقفه یا «شکاف زمانی» دو تا سه‌ماهه وجود دارد. بسیاری از کارفرمایان و بنگاه‌ها لیست‌های بیمه خود را با تأخیر دو ماهه به تأمین اجتماعی ارسال می‌کنند بنابراین برای اینکه تصویر واقعی شکل بگیرد، باید صبر کنیم تا داده‌ها به‌طور کامل در سیستم بیندند. مثلاً بخش مهمی از آمار مردامه تازه در مهرمانه‌ای می‌شود.

بسا توجه به این روند و تشدید محدودیت‌های اقتصادی، در صورت تداوم وضعیت فعلی تا پایان سال چه سرنوشتی در انتظار بازار کار است؟

بباید یک واقعیت اقتصادی را بدون تعارف بپذیریم. طبق گزارش‌های رسمی، نرخ رشد اقتصادی کشور در بهار امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته، بدون نفت منفی ۱۰ درصد و با احتساب نفت منفی ۴۶ درصد بوده‌است. در تابستان نیز به واسطه تشدید تحریم‌ها و جدی‌تر شدن محاصره اقتصادی، شواهد نشان می‌دهد که احتمالاً در همین مسیر حرکت کرده‌ایم. همان‌طور که گفتیم وقتی رشد اقتصادی منفی می‌شود، بازار کار ناگزیر پیرامون از دست می‌دهد. سارو کار آن هم پیچیده نیست؛ در بازار کسب‌وکار یا کالا تولید می‌شود یا خدمات. وقتی قدرت خرید مردم افت می‌کند و تقاضا برای خرید از میلمان و لوازم الکترونیکی گرفته تا اقلام خوراکी کاهش می‌یابد، بنگاه اقتصادی برای حفظ تعادل و بقا مجبور است تیراز تولید خود را پایین بیاورد. کاهش تولید به معنای کاهش ورودی مالی بنگاه‌است و کارفرما برای تراز کردن دخل وخرج خود به سراغ کاهش بنگاهی یا دخته محدودی برای شرایط بحران دارد. وقتی تورم به‌ویژه در سمت تولید و نهاده‌های تولید جهش می‌کند، هزینه تمام‌شده بالا می‌رود و منجر به کاهش تقاضا هم می‌شود و در نتیجه، بنگاه با کوکچ‌تر شده یا به‌طور کامل از بازار حذف می‌شود.

حال اگر بخواهیم براساس همان معادله «۱۷۰ هزار شغل به‌ازای هر یک درصد رشد اقتصادی» تصویر پایان سال ۱۴۰۵ ترسیم کنیم، با فرض اینکه ناگنین رشد منفی ۱۰ درصدی (بدون نفت) و منفی ۴۶ درصدی (با نفت) تا پایان سال ادامه یابد و سال را با رشد منفی ۷ درصد به پایان برسانیم، با توجه به اینکه رشد سال گذشته اندکی مثبت بود، اقتصاد ما نسبت به پار سال یک سقوط و شکاف حدوداً ۸ درصدی را تجربه خواهد کرد. اگر این افت ۸ درصدی را در ۱۷۰ هزار فرصت شغلی

حال اگر بخواهیم براساس همان معادله «۱۷۰ هزار شغل به‌ازای هر یک درصد رشد اقتصادی» تصویر پایان سال ۱۴۰۵ ترسیم کنیم، با فرض اینکه ناگنین رشد منفی ۱۰ درصدی (بدون نفت) و منفی ۴۶ درصدی (با نفت) تا پایان سال ادامه یابد و سال را با رشد منفی ۷ درصد به پایان برسانیم، با توجه به اینکه رشد سال گذشته اندکی مثبت بود، اقتصاد ما نسبت به پار سال یک سقوط و شکاف حدوداً ۸ درصدی را تجربه خواهد کرد. اگر این افت ۸ درصدی را در ۱۷۰ هزار فرصت شغلی

ما میلیون‌ها نفر شاغل بخش غیررسمی داریم که پوشش بیمه‌ای ندارند و ۲ میلیون نفر بیکار قطعی داریم که منبع درآمدی ندارند. طرح اشتغال عمومی برای این گروه طراحی شده، نه برای کارگران شاغل در کارگاه‌های رسمی

ضرب کنید، به عدد واقعی اثر شوک می‌رسید؛ یعنی در صورت ثبت رشد منفی ۷ تا ۸ درصدی در پایان سال، از فروردین تا اسفند ۱۴۰۵ حدود یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر به‌طور کامل از بازار کار کشور خارج خواهند شد. با این حساب، از جمعیت حدوداً ۲۵ میلیون نفری که بیش از جنگ در بازار کار شاغل بودند، در حال حاضر چه تعداد باقی مانده‌اند؟

تا پیش از شروع جنگ، از مجموع ۶۵ میلیون نفر جمعیت در سن کار و بانرخ مشارکت اقتصادی حدود ۴۰ درصدی، نزدیک به ۲۵ میلیون نفر (حدود ۲۴ میلیون و ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر) شاغل در بازار کار داشتیم که حدود ۵۸ درصد در بخش غیررسمی و ۴۶ درصد در بخش رسمی فعالیت می‌کردند. در کنار این جمعیت، حدود ۲ میلیون نفر نیز بیکار قطعی داشتیم که در جست‌وجوی شغل بودند. از آنجا که بخشی از تغییرات بازار کار شغل فصلی دارد، برای ارائه عدد نهایی باید تا پایان سال صبر کرد اما اگر بخواهیم همین امروز به صورت نقطه به نقطه وضعیت را بسنجیم، بیش از یک میلیون شغل از دست رفته و جمعیت شاغلان کشور از حدود ۲۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، در انتهای بهار ۱۴۰۵ به حدود ۲۳ میلیون و ۵۰۰ تا ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کاهش پیدا کرد و جمعیت ریزش کرده به همان ۲ میلیون بیکار قبلی اضافه شده و حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر خواهد شد.

در برابر این حجم از ریزش، سیاست‌های حمایتی دولت چه دستاوردی داشته است؟ وزارت کار اخیراً طرح «اشتغال عمومی» را مطرح کرده که قرار است بدون پوشش بیمه و خارج از شمول قانون کار اجرا شود. آیا اجرای چنین طرحی خود به عاملی برای گسترش ناامنی شغلی و رشد کارگاه‌های غیررسمی تبدیل نمی‌شود؟

در مواجهه با بحران‌های بازار کار، ما دو دسته سیاست داریم؛ «سیاست‌های غیرفعال» که نمود اصلی‌آن پرداخت مقرری بیمه بیکاری و حمایت‌های معیشتی است و «سیاست‌های فعال» که هدف آن حفظ بنگاه اقتصادی و جلوگیری از اخراج تیره‌ها یا بازایزهایی نظیر پارانه دستمزد، پارانه بیمه و تسهیلات دارای دوره تنفس است. از همان جهت نخست، اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌های فعال را به صورت موقدی و بخشی آغاز کردیم. برای نمونه، در مقطعی طرحی اجرا شد که بر مبنای لیست بیمه بهمن‌ماه ۱۴۰۴، به ازای هر نیروی کار بیمه‌شده ماهانه ۲۲ میلیون تومان برای دو دوره ماهه (مجموعاً ۴۴ میلیون تومان به ازای هر کارگر) به کارفرمایان متقاضی پرداخت می‌شد تا شش ماه بعد بازگردانده شود. همچنین برای کسب‌وکارهای حوزه فناوری اطلاعات، تسهیلات پلکنی طراحی شد که برای بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط تا شقف ۱۵ میلیارد تومان بودوبواری شرکت‌های بزرگ نیز بسته‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شد.

اما واقعیت این است که در شرایط تحریم و محاصره اقتصادی، منابع دولت محدود است. دولت هم‌زمان باید هزینه‌های نگهداشت کشور را تأمین کند، بودجه دفاعی را تقویت کند، از اقشار آسیب‌پذیر حمایت کرده و حقوق کارکنان و مستمری بازنشستگان را بدون وقفه برآزد. در حال حاضر در پرداخت حقوق بازنشستگی و مستمری‌ها به‌روز هستیم و حتی بخش مهمی از معوقات مربوط به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان پرداخت شده و مابقی نیز در حال تسویه است. به همین دلیل، تمرکز اصلی ما در این مقطع بر حفظ و تقویت کسب‌وکارهای خرد و کوچک قرار گرفته است. در ایران از مجموع حدود یک میلیون و ۳۸۰ هزار کارگاه ثبت‌شده در تأمین اجتماعی، نزدیک به یک میلیون و ۱۰۰ هزار کارگاه یعنی بیش از ۷۰ درصد بنگاه‌ها، زیر ۵۰ نفر (از کارگاه‌ای تک‌نفره وزیر ۵ نفر گرفته تا ۴۹ نفر) هستند.

اما درباره طرح «اشتغال عمومی»، این طرح ابداع مانیت بلکه تجربه‌ای شناخته‌شده در جهان برای شرایط بحران است که بزرگ‌ترین نمونه آن پس از بحران بزرگ مالی ۱۹۲۹ آمریکادر قالب پروژه «نیو دیل» اجرا شد و تا یک میلیون نفر را مشغول به کار کرد.

لازم است به یک سوء تفاهم پاسخ بدهم. زمانی که ایمن طرح را مطرح کردیم، یکی از فعالان کارگری موضع تندی گرفت و مدعی شد که «وزارت کار می‌خواهد شرایط کارگر و کارفرما را به نفع کارفرمایان تغییر دهد» و کارگران را از حمایت‌های قانونی محروم کند» در حالی که وی اساساً جامعه هدف طرح را متوجه نشده بود! کارگران رسمی که بیکار می‌شوند، مسیرشان مشخص است و تحت پوشش بیمه بیکاری قرار می‌گیرند اما ما میلیون‌ها نفر شاغل در بخش غیررسمی داریم که از هیچ پوشش بیمه‌ای وجود ندارد. این افراد در زمان بحران اصلاً در سیستم دیده نمی‌شوند و قابلیت شناسایی و ارزیابی برای دریافت حمایت‌های متعارف را ندارند. در کنار اینها، ۲ میلیون نفر بیکار قطعی بیش از جنگ را هم داشتیم که هیچ منبع درآمدی ندارند. طرح اشتغال عمومی برای این گروه طراحی شده، نه برای کارگران شاغل در کارگاه‌های رسمی!

دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان با اشاره به تفاوت‌های مزدی و رفاهی میان کارگران پیمانکاری و نیروهای اصلی صنایع سن افزود: شرایط کاری و مزایای دریافتی کارگران شرکت‌های پیمانکاری با کارگران خود مجموعه مس تفاوت دارد و مزایای کمتری به آنها تعلق می‌گیرد. به همین دلیل، این کارگران خواستار تبدیل وضعیت و بر خورداری از امنیت شغلی، شرایط کار و مزایای یکسان با سایر کارگران صنایع مس هستند.

کاربخش خاطر نشان کرد: مجموعه صنایع مس در این منطقه حدود ۸ تا ۷ هزار نیروی کار دارد که بخش قابل توجهی از آنها در قالب شرکت‌های پیمانکاری و اقماری فعالیت می‌کنند و انتظار می‌رود مسئولان صنایع مس و مقامات شهرستانی هر چه سریع‌تر به مطالبات صنفی کارگران نوید بایگان رسیدگی کنند.

تجمع کارگران «نوید بابکان» مقابل فرمانداری شهر بابک

گروهی از کارگران شرکت «نوید بابکان» در اعتراض به اجرا نشدن طرح تبدیل وضعیت استخدامی خود، مقابل ساختمان فرماناری شهر بابک تجمع کردند.

عباس کاربخش دبیر اجرایی خانه کارگران استان کرمان با تأیید این خبر به ایلنا گفت: شرکت نوید بابکان یکی از شرکت‌های پیمانکاری و اقماری زیرمجموعه صنایع مس است که بالغ بر هزار کارگر در آن مشغول به کار هستند و گروهی از این کارگران در اعتراض به عدم اجرای طرح تبدیل وضعیت، مقابل فرماناری شهر بابک تجمع کردند